



کارنامه‌ی سیاه جمهوری اسلامی

دراجلس جہانی "ILO"

صادق کار

نکرده، قرار است مانند سال‌های گذشته به دعوت پنج سندیکای معتبر و فعالین کارگری تبعیدی، در طول اجلاس، هر روز تظاهراتی در اعتراض به تداوم سرکوب و نقض فاحش حقوق سندیکایی در ایران، در مقابل مرکز «آی.ال.او» انجام شود.

هیأت نمایندگی ایران با کارنامه‌ی سیاهی که در زمینه‌ی نقض حقوق سندیکایی و کنوانسیون‌ها و معیارهای سازمان بین‌المللی کار در طی ۳۵ سال گذشته دارد، از کدام «معیارها» می‌خواهد در اجلاس سالیانه‌ی سازمان بین‌المللی کار دفاع کند؟

هیأت نمایندگی ایران در این اجلاس چه دارد بگوید؟ می‌خواهند بگویند که نمایندگان تشکلهای مزدور دولتی را به جای نمایندگان واقعی کارگران برای کنفرانس به ارمغان آورده‌اند؟ می‌خواهند بگویند که سندیکاهای غیردولتی را ممنوع کرده‌اند و فعالین آنها را زندانی و اخراج کرده‌اند؟ می‌خواهند بگویند وزارت کار به جای کارگران، برای‌شان شوراهای اسلامی و انجمن صنفی تشکیل می‌دهد و نماینده تعیین می‌کند؟

می‌خواهند بگویند روز جهانی کارگر اجازه‌ی راهپیمایی و تجمع به کارگران ندادند و عده‌ای را که قصد تجمع داشتند، زندانی و تهدید کردند؟ می‌خواهند بگویند حق اعتصاب به کارگر نمی‌دهند و مبادرت به اعتصاب، مستوجب اخراج و زندان است؟ می‌خواهند بگویند که چگونه جعفر عظیمزاده مسئول اتحادیه‌ی آزاد کارگران را به خاطر اعتراض به قانون‌شکنی شورای عالی کار و دعوت به تجمع در روز کارگر به زندان بردند؟ می‌خواهند تعریف کنند که حتی اجازه‌ی پیک‌نیک رفتن به کارگران نمی‌دهند و در روز ۱۲ اردیبهشت کارگران فلزکار را با خانواده‌های‌شان به خاطر رفتن به پیک‌نیک بازداشت کردند؟

می‌خواهند بگویند که به هیچ فعال کارگری که وابسته به رژیم نباشد، حتی اجازه‌ی سفر برای شرکت در یک کنفرانس سندیکایی را نمی‌دهند؟ می‌خواهند بگویند یک فعال کارگری را به ظن این‌که ممکن است پایش به ژنو برسد و آبروی‌شان را ببرد، از روی پله‌های هواپیما برگردانند و گذرنامه‌اش را ضبط کردند و قرار است تحویل دادگاهش بدهند؟

می‌خواهند بگویند در ایران هزاران اتحادیه‌ی کافرایی و حداقل دو کنفدراسیون بزرگ کافرایی به طور آزاد فعالیت می‌کنند و از همه‌ی تسهیلات هم برخوردارند و در ۳۱ استان کشور شعب استانی دارند و آزادند تا به خارج سفر کنند، در کنفرانس‌های کافرایی بین‌المللی شرکت کنند، روزنامه و نشریه دارند، در دولت و مجلس و نهادهای تصمیم‌ساز



بر اساس گزارشی که در سایت سازمان تأمین اجتماعی منتشر شده، هیأتی از طرف ایران برای شرکت در صدوسومین اجلاس کنفرانس و مجمع عمومی سازمان بین‌المللی کار که از تاریخ ۹ الی ۲۳ خرداد سال جاری برگزار می‌شود، به زودی عازم ژنو می‌شود.

به طوری که در گزارش قید گردیده، قرار است هیأت ایرانی در صدوسومین اجلاس جهانی سازمان بین‌المللی کار که همه ساله با شرکت هیأت‌های نمایندگی‌های کشورهای، مرکب از نمایندگان سازمان‌های کارگری، کارفرمایی و دولت‌ها، در ژنو برگزار می‌گردد، شرکت کند و از مواضع ملی و بین‌المللی کشور دفاع کند: **"جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو اصلی هیأت مدیره و ریاست نشست وزرای کار جنبش عدم تعهد، بر اساس برنامه‌ی اجلاس کنفرانس، به ریاست ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در بالاترین سطح کارشناسی در تمامی کمیته‌های تخصصی حضور خواهند یافت و از مواضع ملی و بین‌المللی کشور دفاع خواهند نمود."**

در این گزارش در حالی از "دفاع از مواضع ملی و بین‌المللی کشور" صحبت می‌شود که طبق معیارهای شناخته شده و سازمان بین‌المللی کار، رژیم جمهوری اسلامی همواره جزء ناقضان کنوانسیون‌ها و مقاوله‌نامه‌های مصوب سازمان بین‌المللی کار بوده و نقض حقوق سندیکایی کارگران به حدی در تضاد با معیارها و مقاوله‌نامه‌های این سازمان بوده که این مسئله به کرات موجب اعتراض مسئولین این نهاد بین‌المللی و اکثر اتحادیه‌های کارگری معتبر شرکت کننده در کنفرانس‌های سالیانه و انجام تظاهرات اعتراضی در مقابل مرکز سازمان بین‌المللی کار علیه نقض کنوانسیون‌ها و حقوق سندیکایی کارگران و سرکوب فعالان سندیکایی ایران گردیده است؛ و امسال نیز از آنجایی که هیچ چیز تغییر



یادداشت

حوادث کار، استمرار فاجعه



بهرز فدائی

محیط کار کارگران در سال گذشته شاهد صحنه‌های دلخراش حوادث خون‌بار بود. وزارت کار می‌گوید در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۳ هزار حادثه‌ی ناشی از کار ثبت شده است.

پیش‌تر سازمان پزشکی قانونی ایران در گزارشی از ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۲ اعلام کرده بود میزان مرگ ناشی از حوادث کار در ایران نسبت به سال قبل ۱۳ درصد افزایش داشته است، قابل ذکر است در آمار بعدی ۲۳ درصد هم مطرح گردید.

بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی، روزانه بیش از پنج کارگر در ایران هنگام کار جان خود را از دست می‌دهند. در استان‌های تهران، خراسان رضوی و فارس به ترتیب، بیشترین تعداد مرگ و میر کارگران ثبت شده است. سقوط از بلندی، برخورد با جسم سخت و برق گرفتگی عمده‌ترین دلایل مرگ در حوادث کار هستند. حدود نیمی از این حوادث هم هنگام ساختمان‌سازی اتفاق افتاده است.

علی‌رغم محدودیت در بازتاب اخبار حوادث کار در رسانه‌های عمومی و امنیتی بودن آمار واقعی آن، آمار و گزارشاتی که گاه‌آنتشار می‌یابند حکایت از فاجعه‌ای عظیم دارند؛ خود مسئولین پزشکی قانونی بارها اشاره نموده‌اند که حوادث کار، پس از حوادث رانندگی، مرتبه‌ی دوم قربانیان حوادث را به خود اختصاص داده‌اند.

کارشناسان تأیید می‌کنند که حوادث کار در کشور ما به دلیل:

- ۱- نبود آموزش متناسب با کار
- ۲- عدم دسترسی به ابزار مناسب و ایمن
- ۳- و مهم‌ترین عامل نبود نظارت مستمر نهادهای مسئول می‌باشد.

حضور فعال دارند، الان هم در این اجلاس حضور دارند و با اتحادیه‌های کارفرمایی شرکت کننده در اجلاس قرار است برای محدود کردن حق اعتصاب و تغییر کنوانسیون‌های ۸۷ که اجرایش هم نمی‌کنند، رایزنی کنند، اما به داوود رضوی عضو سندیکایی شرکت واحد اجازه ندادند تا در کنفرانس پنج سندیکای فرانسوی شرکت کند؟ می‌خواهند بگویند تنها در ماه گذشته به گاوداران، مؤسسات تزیینات ساختمانی و شرکت‌های مهندسی و معماری، اجازه‌ی تشکیل تشکل دادند، اما شاهرخ زمانی از اعضای هیأت مؤسسان سندیکای نقاشان را به جرم تلاش برای تشکیل سندیکا به ۱۰ سال زندان محکوم کردند؟ می‌خواهند بگویند رضا شهابی را به خاطر عضویت در هیأت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد زندانی کردند و اجازه‌ی معالجه به او را نمی‌دهند؟ می‌خواهند بگویند...؟

این‌ها همه خلاف معیارها و کنوانسیون‌های بنیادین حقوق کار، خلاف بسیاری از قوانین موجود، خلاف حقوق بشر، خلاف حقوق اجتماعی کارگران و خلاف انسانیت هستند. آیا این‌ها آن معیارهایی هستند که هیأت نمایندگی کارفرمایان و حکومت می‌خواهند در اجلاس سازمان بین‌المللی کار از آنها دفاع کنند و آن را جهانی نمایند؟ نه آقایان! دنیا را آنقدر هالو فرض نکنید. معیارهای تاجریستی شما که ارمغانی جز فقر و فلاکت، شکاف طبقاتی، بی‌عدالتی، تبعیض و ستم و سرکوب برای کارگران ایران نداشته، چگونه ممکن است به کار سازمانی بیاید که حداقل در پرنسپ و برنامه از برابرقویتی کارگر و کارفرما، مرد و زن، مذاهب و نژادها دفاع می‌کند؟ معیارهای شما ممکن است خوشایند عده‌ای از کلان‌سرمایه‌داران دست راستی و نمایندگان کارفرمایی شرکت کننده در اجلاس سالیانه‌ی «ای.ال.او» باشند و شما را با آنها بیش از پیش پیوند بزنند، اما بی‌شک مانند گذشته با انزجار و اعتراض کارگران ایران و سازمان‌های کارگری شرکت کننده در اجلاس مواجه خواهد شد.

با شناختی که از عمل‌کرد و سمت‌گیری شما وجود دارد، مطمئناً حضور شما در آنجا به زیان حقوق و منافع کارگران ایرانی و غیر ایرانی تمام خواهد شد. به همین دلیل همه‌ی اتحادیه‌های کارگری مستقل حاضر در اجلاس، از حضور هیأت ایرانی ناخرسندند و عده‌ای از آنها قصد تظاهرات علیه شما را دارند. شما زمانی می‌توانید چنین ادعای گرافای بنمایید و حرفی برای گفتن داشته باشید که حداقل معیارهای موجود و مقوله‌نامه‌های بنیادین کار را در عمل بپذیرید. اما همه می‌دانند که شما به‌رغم این‌که بارها وعده‌ی پذیرش مقوله‌نامه‌ها را داده‌اید، ۲۵ سال است از اجرای آنها خودداری می‌ورزید. ولی مطمئن باشید که کارگران بالاخره همه‌ی موانع دست‌یابی به حقوق سندیکایی‌شان را از سر راه خواهند داشت.



می‌شوند مدرسه را رها کنند و به کارهای خارج از توان‌شان تن دهند و... به طور کلی این خانواده‌ها در معرض ده‌ها معضل اجتماعی و روانی قرار می‌گیرند.

در کشور ما به دلیل عدم وجود نهادهای مدنی و پای‌بند نبودن هیأت حاکمه به ترمهای پذیرفته شده و حتی قوانین خودش و دفاع تمام‌قد از کارفرمایان و سرمایه‌داران، همچنین در نبود تشکلهای مستقل کارگری، هیچ ارگان دیگری پیگیر سر و سامان دادن به این مشکل نخواهد بود و اگر قوانینی در این راستا تصویب شود فقط به روی کاغذ خواهد ماند.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته، دولت و کارفرمایان با ایجاد امکانات آموزشی مستمر و فراهم آوردن امنیت محیط کار و همچنین نظارت دائمی نهادهای دولتی و غیر دولتی جهت اجرای تمام قوانین و در دسترس بودن وسائل مورد نیاز و کنترل مستمر آن و در مرحله‌ی بعدی کارگران مسئول رعایت و حفظ امنیت محیط کار می‌باشند.

در شرایط فعلی کارگران میهن ما، تشکلهای کارگری می‌توانند در نظارت امنیت محیط کار و تصویب قوانین حمایتی، نقش والائی را ایفا کنند.

کارگران را فرامی‌خوانیم که تمامی تلاش خود را جهت تشکیل تشکلهای مستقل صنفی به‌کار گیرند.

در سال گذشته چندین حادثه در حضور ارگانهای مسئول و صدها شاهد روی داد (چندین مورد آتش‌سوزی کارگاه و کارخانه و فرو ریختن ساختمان در دست احداث) اما همچون گذشته قربانی را مقصر اصلی و حتی گناه را به نردبان و دیگر ابزار نسبت دادند. در این میان مسئولان کماکان از پذیرش مسئولیت شانه خالی کردند و حتی از یک معذرت‌خواهی خشک و خالی نیز دریغ کردند.

طبق آمار انتشار یافته، روزانه پنج تا هفت کارگر جان‌شان را در اثر حوادث کار از دست می‌دهند. به علل مختلف از جمله وجود کارگاههای دارای کمتر از ده کارگر که شمول قانون کار نمی‌شوند، کارگاههای ساختمانی که بیشتر کارگران موقت فصلی در آن مشغول به کار هستند و کارگاههایی که بیشتر کارگران آن را کودکان تشکیل می‌دهند، بسیاری از این حوادث در این آمار نمی‌آیند و آمار واقعی بسیار گسترده‌تر از آمار است که اعلام می‌شود.

در میهن ما به دلیل این‌که قوانین درمانی و حمایتی از بازماندگان و ازکارافتادگان بسیار ضعیف و ناکاراست، عواقب حوادث کار برای کارگران و خانواده‌ی آنان بسیار زیان‌بار و سرنوشت آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ به صورتی که بسیاری خانواده‌ی خود را از دست می‌دهند، کودکان مجبور

تجارب دیگران

تحولات اتحادیه‌های کارگری اندونزی

پس از سقوط سوهارتو-۳

میشله فورد

اتحادیه‌ی کارگران "یقه آبی" بخش خصوصی



عکس از یکی از تظاهرات سال ۱۹۹۸ در اندونزی، که به سقوط سوهارتو و اعلام "نظم نوین" انجامیدند.

اتحادیه‌گرایی در میان کارگران یقه آبی همچنان موضوع مقدم و مرکزی کار سازماندهی کارگران در اندونزی است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، "اتحادیه‌های یقه آبی"، که در

نخستین ماه‌های پس از سقوط سوهارتو به ثبت رسیدند، در دو مقوله قابل دسته‌بندی‌اند؛ مقوله‌ی اول متشکل از اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌های اتحادیه‌های بخش دولتی است. تشکلهای دولتی که در این مقوله گرد هم آمدند، از جمله شامل "فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری اندونزی" و گروه انشعابی از آن یعنی "فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری اندونزی- اصلاح طلب" می‌شدند. فدراسیون دومی در اوت سال ۱۹۹۸ از فدراسیون اولی (فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری اندونزی) جدا شده بود. اتحادیه برای رفاه، انجمن برادری کارگران مسلمان اندونزی، فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری دموکراتیک، و تعدادی از اتحادیه‌های غیرکمونست پیش از دوران "نظم نوین"، که موفق به بازسازی خود شده بودند، نیز از زمره اعضای "فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری اندونزی" بودند.

اعتبار فدراسیون‌های اتحادیه‌های کارگری، که در اوائل سال ۱۹۹۹ به تازگی به ثبت رسیده بودند، مورد تردید بسیار فعالان سازمان‌های غیردولتی که در زمینه‌های کارگری فعالیت می‌کردند، بود. مثلاً یکی از این فعالان اظهار می‌کرد که بسیاری از این فدراسیون‌ها پیش از آن که اقدامی برای ایجاد یک پایه‌ی توده‌ای داشته باشند، در صدد برآمده‌اند خود را رسماً به ثبت برسانند. به نظر او این روند کله‌پا شده‌ی رویدادها از آن رو بود که مقرراتی که پس از انتخابات ۷ ژوئن ۱۹۹۹ بر تشکیل اتحادیه‌ها حاکم می‌شدند، ناروشن بودند.



مستقیم در مناسبات کار بود؛ مناسباتی که در دوره‌ی بلافاصله پس از سوهارتو، مغشوش و متزلزل شده بودند. جالب‌ترین نکته، به گواه بسیاری گزارش‌ها، این است که در آن دوره از میزان مداخله‌ی نیروهای نظامی در محل کار کاسته شده بود، در عین حال که هنوز بسیاری از کارگران در معرض دستگیری و حبس قرار داشتند.

روز ۲۸ سپتامبر وزیر کار وقت اندونزی، فهمی ادريس، تأیید کرد که پای ارتش باز هم منظم‌اً به بسیاری مناقشات میان کارگران و کارفرمایان کشیده می‌شود. گزارش‌هایی از فعالان جبهه‌ی ملی مبارزه‌ی کارگری اندونزی نیز در دست‌اند، حاکی از آن که برای سرپوش گذاشتن بر مداخله‌ی نیروهای نظامی در مناقشات صنعتی به کرات از اوباش لباس شخصی بهره گرفته شده بوده است.

گزارش‌هایی، اگرچه بسیار محدود، نیز در دست‌اند که از افزایش آمادگی کارفرمایان برای مذاکره با اتحادیه‌های تازه به ثبت رسیده و یا حتی بالقوه‌ی کارگران یقه آبی حکایت دارند. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که در سطوح معینی، حمایت بوروکراتیک از شرکت‌هایی که از قانونی کردن کار امتناع می‌کنند، کاهش یافته است. با این وجود، این تحول مطلوب به علت ناتوانی دولت در حمایت از کارگران در برابر اخراج ناعادلانه‌ی آنان به دنبال فعالیت‌های اتحادیه‌ای‌شان، بلااستفاده ماند.

به عبارت دیگر، بحران اقتصادی به کارفرمایان امکان داده بود که هنگام به‌کارگیری مجدد کارگران، "دردسازان" را هدف گیرند. باز هم مشخص‌تر این که فعالان کارگری در محل کار، که اتحادیه‌ای را ثبت کرده یا در پی ثبت یک اتحادیه‌ی جدید بودند، هدف قرار می‌گرفتند.

یک نمونه از این وضع، شکایت ۱۷ تن از کارگران کارخانه‌ی "یک میلیون گره" نزد "کمیسیون ملی حقوق بشر- اندونزی" بود. برابر این شکایت، مدیریت ۱۷ کارگری را که اقدام به تأسیس یک اتحادیه‌ی مستقل کرده بودند، اخراج کرده بود.

شکل دیگری از مداخله در روابط کاری پس از سقوط سوهارتو حادث‌تر هم شده است. به نظر می‌رسد تعداد زیادی از آکترهای خارجی علاقه‌مند هستند در نمایندگی آینده‌ی کار در اندونزی نقش داشته باشند. در ماه مارس ۱۹۹۹ تعدادی مؤسسه‌ی تحقیقاتی، تحقیقات‌شان را بر موضوع "ارتقاء و تقویت مهارت‌های مدیریتی اتحادیه‌ها در اندونزی" متمرکز کردند. هم‌چنین شایعه شد که کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد کارگری، فدراسیون‌های اتحادیه‌های بزرگ‌تر را به ادغام در یک‌دیگر تشویق می‌کند.

شتاب در ثبت فدراسیون‌ها را هم‌چنین به عنوان کوششی برای تحرک بخشیدن و جذب حمایت کارگران به سوی احزاب سیاسی مرتبط با آن فدراسیون‌ها نیز می‌توان توضیح داد. برای نمونه یک اتحادیه‌ی مرتبط توانست حمایت هر ۳۰۰ کارگر یکی از کارخانه‌های خودش را برای ثبت اتحادیه جلب کند؛ در حالی که اتحادیه‌ی دیگری که با هیچ حزبی مرتبط نبود، حتی موفق به جلب حمایت کافی کارگران برای ثبت اتحادیه نشد.

علاوه بر ظهور مجدد احزابی که سنتاً با اتحادیه‌های کارگری پیوند داشتند، چهار حزب "کارگری" جدید نیز در مارس به سوی انتخابات ژوئن ۱۹۹۹ تشکیل شدند: حزب ملی کار مرتبط با اتحادیه برای رفاه، حزب ملی کارگران، حزب همبستگی کارگری سراسری اندونزی و حزب همبستگی کارگران موفق شدند برای شرکت در انتخابات خود را به ثبت برسانند. شایان توجه است که هیچ‌یک از این احزاب موفق به کسب حتی یک کرسی در مجلس اندونزی نشدند. حزب ملی کارگری، که موفق‌ترین حزب کارگری بود، فقط ۰/۸ درصد آرای انتخابات ژوئن ۱۹۹۹ را به سمت خود کشید.

مقوله‌ی دوم اتحادیه‌های یقه آبی در دوران حبیبی از اتحادیه‌های کوچکی که در کارخانه‌ها برپا می‌شدند، تشکیل می‌شد. بسیاری اتحادیه‌های ثبت شده یا مشتاق ثبت، که در این مقوله می‌گنجند، از جمله "اتحادیه‌ی مستقل کارگران نساج" (اتحادیه‌ی کارخانه‌ی "یک میلیون گره") و نیز اتحادیه‌ی کارگری کاپاسیندو، هر دوی‌شان از یک پایگاه نسبی کارگری در میان سازمان‌های کارگری اواخر دوره‌ی "نظم نوین" برخوردار بودند. به نظر می‌رسد که سازمان‌دهندگان چنین اتحادیه‌هایی ارزیابی خوش‌بینانه‌ای از توان خود برای نمایندگی اعضای‌شان داشتند. این اتحادیه‌ها، با کمک برخی سازمان‌های غیردولتی، موفق به به‌تصویب رساندن کنوانسیون شماره‌ی ۸۷ شدند. این کنوانسیون ابزاری برای چانه‌زنی در مذاکرات مستقیم با مدیریت در باره‌ی تشکیل اتحادیه است.

جمع‌آوری مستقل حق عضویت اعضای اتحادیه‌ها مورد خاصی از نگرانی‌های رهبران اتحادیه‌های نوپا و در حال تأسیس بود. زیرا به نظر آنها اتکا به مدیریت برای جمع‌آوری حق عضویت‌ها از طریق کسر کردن از حقوق کارگران، ضعف اصلی بسیاری از اتحادیه‌های باسابقه بود. گزارش‌های مقامات بسیاری از اتحادیه‌های مرتبط حاکی از آنند که کارگران از پرداخت مستقیم حق عضویت‌هاشان خشنودند، زیرا آنها مزایای بارز و هر روزه‌ی داشتن اتحادیه‌های مستقل را به چشم می‌دیدند. گزارش‌های اتحادیه‌های کوچک و کوچک‌تر نیز حاکی از برخورد مشابه کارگران در چنین واحدهایی به موضوع جمع‌آوری حق عضویت‌ها و مذاکره با مدیریت دارند.

آنچه دولت می‌خواست، و مسلماً می‌توانست، مداخله‌ی



اخبار خارجی:

کارگران برای تشکیل اتحادیه‌ها و و هدایت آنها بدون مداخله حکومت است.

مقامات الجزایر با توسل به مانورهای اداری می‌کوشند مانع از کسب مقام قانونی توسط اتحادیه‌های مستقلی شوند، که می‌کوشند خارج از "اتحادیه‌ی سراسری کارگران الجزایر" عمل کنند. به نظر بسیاری از افراد، اتحادیه‌ی نامبرده فزون از حد به مقامات وابسته است. برابر «قانون اتحادیه‌های کارگری» در الجزایر، کارگران مجازند بدون نیاز به کسب اجازه از مقامات دست به تشکیل اتحادیه بزنند و فقط کافی است آنان را از اقدام خود کتباً مطلع کنند. فرض بر این است که مقامات هم ظرف ۳۰ روز ثبت نهایی اتحادیه را اعلام کنند.

اما مقامات مذکور در بسیاری از موارد از صدور گواهی ثبت نهایی خودداری می‌کنند. در موارد دیگری اطلاعات بیشتری را از اتحادیه طلب می‌کنند یا از آن می‌خواهند که اساسنامه‌اش را تغییر دهد. اما مکرراً پیش می‌آید که با وجود اجابت خواست مقامات دایر بر تغییر اساسنامه، باز هم آنان از دادن گواهی ثبت خودداری می‌کنند. بدون این گواهی اتحادیه قانوناً نمی‌تواند کارگران را نمایندگی کند.

سارا ویتسون، مدیر بخش «خاورمیانه و شمال آفریقا»

سازمان دیدبان حقوق بشر

«ILO» خواهان آزادی عمل

اتحادیه‌های مستقل الجزایر شود

۲۷ می ۲۰۱۴



تشدید پیگرد اتحادیه‌های کارگری مستقل در الجزایر

دیرکصدوسومین کنفرانس سازمان بین‌المللی کار عنوان شد:

فراخوان قاطع علیه کار اجباری

دیرکل سازمان بین‌المللی کار، سازمان‌ها و دولت‌ها را به اتخاذ سیاست‌های منصفانه‌ی مهاجرتی و اعمال اقدامات قاطع علیه کار اجباری فراخواند.

سایت س.ب.ک، ۲۸ می ۲۰۱۴

یکصدوسومین کنفرانس سازمان بین‌المللی کار (س.ب.ک.) روز گذشته، چهارشنبه ۲۸ می ۲۰۱۴، کار خود را با نطق افتتاحی گای ریدر، دیرکل این سازمان، آغاز کرد. این کنفرانس تا ۱۲ ژوئن ادامه خواهد داشت.

نطق افتتاحی گای ریدر به سه موضوع اصلی اختصاص داشت: مهاجرت، کار اجباری و گذر از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی.

مهاجرت

گای ریدر در باره‌ی مهاجرت از جمله ابراز داشت: "مهاجرت در بسیاری از موارد و بیش از اندازه با سوءاستفاده از کارگران آسیب‌پذیر گره زده می‌شود و به یکی از چالش‌های بزرگ سیاست‌گذاری در سراسر جهان تبدیل شده است.

ژنو- روز سه‌شنبه، ۲۷ می ۲۰۱۴، سازمان دیدبان حقوق بشر (س.د.ج.ب.) و شبکه‌ی اروپایی- مدیترانه‌ای حقوق بشر (ش.ا.م.ج.ب.) اعلام کردند که مقامات الجزایر خودسرانه حقوق کارگران را برای تشکیل سازمان‌های کارگری محدود می‌کنند و دست به مجازات معترضان مسالمت‌جو می‌زنند. تعلیق تلافی‌جویانه و محروم کردن از مشاغل دولتی، بازداشت و پیگرد خودسرانه‌ی فعالان اتحادیه‌ای با پرونده‌سازی‌های سیاسی، از زمره‌ی این مجازات‌هایند.

دو سازمان نامبرده، از سازمان بین‌المللی کار (س.ب.ک.) خواسته‌اند که در بررسی سوابق الجزایر در اجلاس جاری خود*، باید مصرانه از مقامات الجزایر بخواهد به سرکوب فعالیت‌های اتحادیه‌ای مستقل خاتمه دهند. الجزایر از جمله‌ی کشورهایی است که کنوانسیون «آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل» (شماره‌ی ۸۷) و نیز کنوانسیون "حق تشکل و قراردادهای دسته‌جمعی کار" (شماره‌ی ۹۸) را امضا کرده است. این دو کنوانسیون، دو کنوانسیون از هشت کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار هستند که مبنای قانون کار در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهند.

سارا ویتسون، مدیر بخش «خاورمیانه و شمال آفریقا» سازمان دیدبان حقوق بشر می‌گوید: "کارگران الجزایر در هر گامی برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل و دست زدن به اقدامات جمعی، با انبوهی از موانع مواجه می‌شوند. سازمان بین‌المللی کار باید با استناد به این واقعیت، به مقامات الجزایر متذکر شود که حقوق کار به معنای اجازه‌ی



اجباری» تنظیم کند.

دبیرکل س.ب.ک. با انگشت نهادن بر موضوع بیکاری هشدار داد که "با توجه به ارقام بی‌سابقه‌ی بیکاری در سطح جهانی که علی‌رغم بهبود ناچیز، هنوز به مطلق آن افزوده هم می‌شود، با توجه به این که جوانان نخستین قربانیان آن‌اند، ایجاد کار باید در مرکز تلاش ما قرار گیرد".

گذر به اقتصاد رسمی

نسخه‌ی تازه‌ی گزارشی از جهان کار: توسعه هم‌پای مشاغل، که در روزهای نخست همین هفته انتشار یافت، بر چالش‌های استخدامی در جهان در حال توسعه متمرکز است.

ریدر در نطق خود در این باره گفت: "مشاغل با کیفیت و در خور، نیروی محرکه‌ی حیاتی در امر توسعه‌اند". این پیام کلیدی گزارش پیش‌گفته، قطعاً روند بحث کنفرانس را در موضوع گذر از اقتصاد غیررسمی به رسمی تعیین خواهد کرد.

ریدر افزود: "رسمیت بخشیدن [به مشاغل بخش غیررسمی] موجب بهبود شرایط کار کارگران این بخش و حمایت از آنان می‌گردد، رقابت منصفانه را موجب می‌شود و امکان پایداری شرکت‌ها را تقویت می‌کند. به علاوه با انتظام مالیات‌ها، به تقویت اقتدار حکومت می‌انجامد".

ریدر همچنین از "نیاز به داشتن مشاغل در خور و حمایت اجتماعی چنان‌که در اهداف هزاره‌ی سازمان ملل برای دوره‌ی پس از ۲۰۱۵ تصریح شده است" سخن گفت.

در کنفرانس سازمان بین‌المللی کار که تا ۱۲ ژوئن ادامه خواهد داشت، کارگران، کارفرمایان و نمایندگان ۱۸۵ دولت عضو س.ب.ک. حضور دارند.



گای ریدر خطاب به کارگران، کارفرمایان و هیأت‌های دولتی که در صدوسومین کنفرانس س.ب.ک. حضور دارند گفت: "مهاجرت ابعاد بزرگی به خود گرفته است؛ ابعادی که دائماً بزرگ‌تر هم می‌شوند و الگوهای آن دائماً پیچیده‌تر. حتی جوهر و طبیعت آن دست‌خوش تحول است. ما همگی توافق داریم که مهاجرت از پتانسیل قالب توجهی برای کمک به امر رشد و توسعه برخوردار است".

او افزود: "متأسفانه مهاجرت هم‌چنان و بیش از اندازه با رفتارها و سوءاستفاده‌هایی که با برخی از آسیب‌پذیرترین زنان و مردان در بازار کار صورت می‌گیرد، گره زده می‌شود".

قابل ذکر است که گزارش دبیرکل س.ب.ک. به صدوسومین کنفرانس آن زیر نام مهاجرت منصفانه، دستور کاری برای س.ب.ک.، در اجلاس‌های عمومی هفته‌ی آینده‌ی کنفرانس مورد بحث قرار خواهد گرفت.

گزارش مذکور، با این تخمین که تعداد کارگران مهاجر در سراسر دنیا حدود ۲۳۲ میلیون است، تصریح می‌کند که تعداد کسانی که در جست‌وجوی کار مرزهای کشورها را درمی‌نورند، بسیار بیشتر است. گزارش حاوی توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاری است. این توصیه‌ها با درنظرداشت عواملی چون جهانی شدن، نقل و انتقالات جمعیتی، مخاصمات جاری، نابرابری‌های درآمدی و تغییرات آب و هوا تنظیم شده‌اند.

کار اجباری

گای ریدر، در توضیح دستور کار اصلی کنفرانس امسال، هم‌چنین حاضران در کنفرانس را به اعمال اقدامات فاعط‌تر برای خاتمه دادن به کار اجباری فراخواند.

ریدر در این باره گفت: "امروزه در سراسر جهان ۲۱ میلیون تن قربانی کار اجباری‌اند. یک نگاه انتقادی به این واقعیت نگران‌کننده متعاضمان خواهد کرد که این واقعیت تنها بازمانده‌ای از دوران گذشته نیست. کار اجباری دگرگون شده و خود را در بدخیم‌ترین اشکال بازتولید کرده است".

ریدر افزود: "استخدام کار اجباری از زمره مشاغل پردرآمد است. تخمین‌های اخیر س.ب.ک. نشان می‌دهند که سود سالانه‌ی کار اجباری برابر ۱۵۰ میلیارد دلار است.

س.ب.ک. باید اقدامات فاعط‌تری برای خاتمه دادن به کار اجباری را بررسد و متمرکز را - با توجه خاص به موضوع پیش‌گیری از آن، حمایت از قربانیان آن و جبران خسارت به این قربانیان را، برای «کنوانسیون شماره ۲۹ در باره‌ی کار

گزارش:

معیشت کارگران، کارگران بیکار نگران آینده

ولی خلیلی:

۲۰ تا ۶۰ درصد واحدهای صنعتی ورشکسته و تعطیل شده‌اند و ۲۰ درصد واحدهای صنعتی به حالت نیمه‌تعطیل درآمده‌اند

در میان صدای ضربه‌های چکش کارگران روی چرم و میز کار در کارگاه کفاشی‌ای در منطقه‌ی سپهسالار تهران، پنج مرد میان‌سال در انبار کارگاه دور هم نشسته‌اند و از حسن روحانی رئیس‌جمهور و علی ربیعی وزیر کار می‌گویند. این مردان میان‌سال برای تجدید دیدار و صحبت از حال و هوای زندگی، هر سه ماه یک بار دور هم جمع



رضایت‌بخش نیست و برای محکم کردن این نظر خود به شرح وضعیت موجود می‌پردازند و از وقایع کارگری در دو سال گذشته نام می‌برند؛ مثل خودکشی بیش از ۱۰ کارگر در این مدت به دلیل اخراج و بیکاری که اخبار برخی از آنها به روزنامه‌ها و نشریات هم راه یافته است. هم‌چون خودکشی علیرضا کارگر گروه خودروسازی بهمن که به دلیل دیدن نام خود در لیست کارگران اخراجی دست به خودکشی زد، و منصور ۴۳ ساله که پس از ۱۵ سال کار در شرکت نساجی کردستان زمانی که با حکم اخراج روبه‌رو شد، خود را در کارخانه کشت.

دستمزدهای پایین و زندگی زیر خط فقر

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، در حال حاضر خط فقر در تهران یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در شهرستان‌ها یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است در حالی که حداقل دستمزد کارگران در کشور برای امسال ۴۷۵ هزار تومان در نظر گرفته شده و این رقم تنها یک‌سوم هزینه‌های زندگی آنها را تأمین می‌کند؛ موضوعی که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس هم آن را نشان می‌دهد. بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس حداقل حقوق تعیین شده برای کارگران تنها کفاف ۱۰ روز زندگی در شهرهای بزرگ مانند تهران را می‌دهد و میزان کسری بودجه‌ی خانوار به صورت ماهیانه و میانگین در کل کشور بیش از ۵۰۰ هزار تومان است.

علیرضا، کارگر کیف‌سازی که هر روز از ورامین برای کار به میدان امام حسین می‌آید، می‌گوید در کارگاه کیف‌سازی آنها کارگران برای این‌که بتوانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند همه در مناطق حاشیه‌ی شهر تهران مثل اسلام‌شهر، واوران، قلعه حسن‌خان و پاکدشت زندگی می‌کنند. او می‌گوید برای این‌که شرایط زندگی کارگران را متوجه شوید باید سر ظهر به کارگاه آنها سر بزنید و نگاهی به ظرف غذای آنها بیندازید. او می‌گوید: "کارگران برای جبران هزینه‌ها معمولاً چند شغل دارند و یا روزی ۱۴، ۱۵ ساعت کار می‌کنند و از بسیاری از خرج‌های خود مثل لباس، غذا و میوه و... می‌زنند."

بحث تعیین میزان دستمزد کارگران برای امسال در ماه‌های پایانی سال گذشته به پروسه‌ای دنباله‌دار و پر کش و قوس تبدیل شد و البته مایوس کننده برای جامعه‌ی کارگری به پایان رسید، زیرا در نهایت کارگران نتوانستند در تعیین حداقل حقوق و افزایش حقوق به خواسته‌های خود که افزایش حقوق متناسب با تورم سال ۹۲ بود برسند.

حقوق کارگران با وجود تورم ۴۱ درصدی تنها ۲۵ درصد افزایش یافت و این موضوع باعث بروز نارضایتی گروه‌های کارگری و شکایت آنها به دیوان عدالت اداری شد. طبق ماده‌ی ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد سالیانه‌ی کارگران و مشمولان قانون کار، باید براساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی و تأمین حداقل معیشت خانوار باشد.



می‌شوند. سه نفر از آنها از اعضا قدیمی سندیکای کارگران کفاش هستند و دو نفر دیگر هم از اعضا قدیمی سندیکای خیاطان؛ افرادی که در این سال‌ها حوادث کارگری بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند و در نظرات و نگاه‌شان این پیشینه‌ی وقایع کارگری موج می‌زند.

در میان این جمع پنج نفره تنها یک نفر با بی‌اعتمادی به آینده صحبت می‌کند و بقیه به تغییر و تحول امیدوار هستند اما آنچه در میان صحبت همه‌ی آنها دیده می‌شود نگرانی از ادامه‌ی رکود بازار، بیکاری، اخراج، تعطیلی واحدهای تولیدی و افزایش هزینه‌های زندگی و بالارفتن قیمت‌ها نسبت به درآمدهای پایین‌شان است. موضوعاتی که در ماه‌ها و سال گذشته به اصلی‌ترین چالش‌های زندگی کارگران تبدیل شده و فشار زندگی روی آنها و خانواده‌های‌شان را چند برابر کرده است. خانواده‌هایی که با حداقل ۲۵ میلیون تن، نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

اوایل اردیبهشت ماه امسال کارگران بخش «مولد بخار» شرکت راه‌آهن تهران در محوطه‌ی کارگاه با جنازه‌ی روی دار مجید یکی از کارگران سابق این بخش روبه‌رو شدند، کارگری که چهار ماه پیش از آن در بهمن ماه، به دلیل تعدیل نیرو و تعویض گروه پیمان‌کاری شرکت، اخراج شده بود و بعد از چهار ماه بیکاری و تحمل نکردن فشار زندگی، با حضور دوباره در محل کارگاه، خود را در محوطه‌ی مولد بخار با طناب، دار زد.

در حال حاضر کارگران و فعالان تشکلهای کارگری انتظار دارند دولت و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حرکتی کوتاه‌مدت و حرکت بلندمدت به شرایط کاری و زندگی روزمره‌ی آنها سامان دهند و چالش‌های زندگی آنها را برطرف کنند. اما در مقابل، کارشناسان معتقدند اگر دولت جدید نتواند با رونق دوباره‌ی تولید، افزایش دستمزدها و پایین آوردن تورم و هزینه‌های زندگی، مشکلات پیش روی کارگران را حل کند زمان چندانی نمی‌گذرد که با جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراض‌آمیز گسترده‌ی کارگری در کشور روبه‌رو خواهیم شد.

این کارشناسان معتقدند وضعیت معیشتی کارگران کشور



دیگر بوده است. به شکلی که در این مدت اخبار بیکاری کارگران ایران خودور تبریز، مازندران، سنندج و خراسان رضوی و اخراج گروهی از کارگران سایپای تهران و کاشان و همچنین کارگران شهاب خودوری اهواز در صدر اخبار کارگری در کشور بوده است. با تعطیلی کارخانه‌های خودروسازی و کاهش تولید آنان، کارگران بسیاری از واحدهای قطعه‌سازی هم بیکار شدند؛ طبق آمارها ۱۳۷ واحد قطعه‌سازی به طور کامل تعطیل شده است و بخش زیادی از کارخانه‌ها و تولیدی‌های قطعه‌سازی دست به تعدیل نیرو زده‌اند و با ظرفیت حدود ۴۰ تا ۵۰ درصدی کار می‌کنند. در همین باره، ساسان قربانی، دبیر انجمن قطعه‌سازان هم در مصاحبه‌ای، از بیکاری ۱۳۰ هزار تن از شاغلان مستقیم صنعت خودروسازی و قطعه‌سازی در ماه‌های گذشته خبر داد و نسبت به ادامه‌ی روند این بیکاری‌ها هشدار داد. این ورشکستگی‌ها و تعطیلی تولیدی‌ها باعث شده تا کارگران اخراج و بیکار شده دست به اعتراضات گسترده‌ای در نقاط مختلف کشور بزنند و جلوی کارخانه‌ها، فرمانداری‌ها، استان‌داری‌ها و البته مجلس شورای اسلامی بارها جمع شوند.

حقوق‌های عقب‌افتاده

علاوه بر اخراج و بیکاری، حقوق و مطالبات عقب‌افتاده یکی دیگر از چالش‌های اصلی است که بسیاری از کارگران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. بسیاری از کارگران با وجود کار در واحدهای صنعتی بین دو تا ۲۴ ماه و حتی بیشتر است که حقوق و دستمزدی دریافت نکرده‌اند و یا تنها ماهانه بخشی از حقوق خود را گرفته‌اند و مزایای آنها مانند اضافه‌کاری، حق مسکن و... به طور کل قطع شده است. مدیران و مسئولان بسیاری از کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی کاهش تولید و درآمد، تحریم‌های اقتصادی، نبود نقدینگی و عدم پرداخت مطالبات خود از سوی دولت را عامل اصلی به وجود آمدن این شرایط می‌دانند؛ شرایطی که باعث شده کارگران با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شوند و درآمدی برای تامین هزینه‌های زندگی نداشته باشند و با تجمع برای گرفتن مطالبات خود دست به اعتراض بزنند. نیمه‌های مرداد سال قبل، بیش از ۵۰۰ کارگر فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی در عسلویه، به دلیل دریافت نکردن چهار و پنج ماه حقوق، چند روز دست به اعتصاب زدند. همچنین ماه گذشته بیش از ۱۰۰ کارگر نساجی مازندران بعد از بارها تجمع برای گرفتن مطالباتشان جلوی استانداری مازندران و مجلس شورای اسلامی، باردیگر جلوی استانداری تجمع کردند. روی پارچه‌نوشته‌های در دست این کارگران نوشته شده بود: "۳۳ ماه حقوق معوقه! چه کسی پاسخگوست؟"

نساجی مازندران و فازهای ۱۴ و ۱۵ پارس جنوبی تنها دو نمونه از کارخانه‌هایی است که ماه‌هاست حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده‌اند. با بررسی اخبار کارگری در دو سال گذشته متوجه می‌شوید که تعداد این کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی بسیار زیاد است؛ به طوری که به گفته‌ی رییس

حال آن که به نظر فعالان کارگری در تعیین حداقل حقوق امسال، نه تنها نرخ تورم در نظر گرفته نشده بلکه دستمزدها کفاف زندگی‌شان را هم نمی‌دهد. براساس آمار بانک مرکزی، نرخ تورم ۱۲ ماه گروه اصلی «مواد خوراکی» در سال ۹۱، ۷/۴۶ درصد، نرخ تورم ۱۲ ماه گروه عمده «خوراکی، آشامیدنی و دخانیات» ۴۷ درصد و نرخ تورم ۱۲ ماه گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» معادل ۸/۲۳ درصد بوده است. همچنین باتوجه به افزایش قیمت کالاها و تورم در پنج ماه ابتدایی سال گذشته، اختلاف دستمزد کارگران و تورم رکورد زد و شکاف این دو به عدد بی‌سابقه‌ی ۲۰ درصدی در پایان مرداد ماه سال قبل رسید. این اختلاف هزینه‌های زندگی و تورم نسبت به درآمد و دستمزد کارگران، درحال حاضر یکی از اصلی‌ترین مطالبات کارگران است و بی‌توجهی دولت به این موضوع می‌تواند باعث دشواری بیشتر زندگی کارگران شود. گروه گسترده‌ای از کارگران بعد از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور در نامه‌ای به او خواستار افزایش حقوق و دستمزد خود در سال جاری شدند.

البته درمقابل این خواسته‌ی کارگران برای افزایش حقوق، نمایندگان کارفرماها معتقدند به دلیل کاهش تولید، تحریم و افزایش هزینه‌ها، آنها توان پرداخت افزایش حقوق را ندارند و اجبار آنها به بالابردن دستمزدها باعث اخراج کارگران، تعطیلی بیشتر تولیدی‌ها و کارخانه‌های صنعتی خواهد شد. نمایندگان کارفرماها معتقدند دولت در این بین، علاوه بر پایین آوردن هزینه‌ها و تورم، باید برای پرداخت حقوق و دستمزد آنها را یاری کند.

اخراج کارگران، ورشکستگی و تعطیلی تولیدی‌ها

نگرانی از اخراج و بیکاری، تعطیلی واحدهای تولیدی و ناامنی شغلی یکی دیگر از چالش‌های اصلی کارگران است که اعتراضات گسترده‌ی آنها را در ماه‌ها و دو سال گذشته به همراه داشته است. طبق بررسی‌های میدانی که در ماه‌های گذشته در استان‌های مختلف کشور در شهرک‌های صنعتی صورت گرفته بین ۴۰ تا ۶۰ درصد واحدهای صنعتی ورشکسته و تعطیل شده‌اند و ۲۰ درصد واحدهای صنعتی به حالت نیمه‌تعطیل درآمده‌اند و با کاهش تولید روبه‌رو شده‌اند و تنها ۲۰ درصد واحدهای صنعتی همانند قبل فعال هستند. همچنین گزارشی که توسط اتاق بازرگانی ایران انجام شده، نشان می‌دهد که ۶۷ درصد واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده‌اند. در این گزارش بین ۳۰ تا ۹۰ درصد واحدهای صنعتی در استان‌های مختلف تعطیل شده‌اند و در میان استان‌ها، خراسان رضوی با ۱۱۴۰ واحد تعطیل شده، لرستان با ۱۱۰۰ واحد، فارس با ۹۰۰ واحد، یزد با ۵۶۰ واحد و آذربایجان غربی با ۵۲۵ واحد، بیشترین آمار ورشکستگی واحدهای صنعتی را داشته‌اند.

البته این ورشکستگی در برخی از صنایع مانند نیشکر، چای، فولاد و ذوب فلزات و البته خودروسازی بیشتر از صنایع



📖 اخبار داخلی:

تجمع کارگران نورد و پروفیل ساوه در مقابل کارخانه



طبق اخبار ارسالی به اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران، کارگران نورد و پروفیل ساوه در ادامه‌ی اعتراضات خود که از روز شنبه سوم خرداد آغاز شده بود، در روز چهارشنبه مورخ هفتم خرداد با درهای بسته‌ی محل کار خود مواجه شدند. کارگران در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی خود را برپا کردند. در پی این اعتراض رییس اداره‌ی کار و رییس نیروی انتظامی و معاون فرماندار شهرستان ساوه در جمع کارگران حاضر شدند و با تهدید کارگران مبنی بر غیر قانونی بودن تجمع کارگران، از آنها خواستند که به تجمع خود پایان دهند. در پی این سخنان تهدیدآمیز، کارگران در حالی که به شدت خشمگین شده بودند، فریاد می‌زدند: کسانی غیر قانونی هستند که ماه‌ها حقوق کارگران را پرداخت نمی‌کنند، پرداخت نکردن بیمه کارگران غیرقانونی است، و کسانی غیرقانونی هستند که به جای پرداخت مطالبات انباشته شده‌ی کارگران، برای جلوگیری از ادامه‌ی تجمع و اعتصاب کارگران دست به قطع ناهار و سرویس ایاب و ذهاب کارگران زده و درهای کارخانه را در برابر کارگران می‌بندند. در پی خشم کارگران و پافشاری بر ادامه‌ی اعتراضاتشان مسئولان دولتی اعلام کردند که هم‌اکنون یک ماه از حقوق‌های معوقه به حساب کارگران واریز شده است و قول دادند که در روز شنبه ۱۰ خرداد چهاردرصد هزینه‌ی طرح مشاغل سخت و زیان‌آور برای ۲۰۰ کارگر به تامین اجتماعی واریز گردد و از کارگران خواستند که به اعتصاب خود پایان دهند و دستگاه‌ها ی خط تولید را روشن کنند. کارگران بعد از حصول اطمینان از واریز شدن حقوق یک ماه از معوقاتشان، درمقابل درب کارخانه مجمع عمومی خود را برگزار کردند و با اکثریت آراء تصمیم گرفتند که در روز شنبه ۱۰ خرداد به اعتصاب و اعتراضات خود تا دریافت عیدی و پاداش سال ۹۲ و واریز شدن چهاردرصد هزینه‌ی طرح مشاغل سخت و زیان‌آور و تعهد پرداخت یک ماه از معوقات هر ۲۰ روز یک‌بار، ادامه دهند. کارگران ساعت یازد و نیم صبح به تجمع خود پایان دادند.

شورای کار استان قزوین، تعداد این واحدهای صنعتی تنها دراستان قزوین بیش از ۶۰ واحد است. البته از تعداد واحدهایی که قادر به پرداخت دستمزد کارگران خود نیستند و همچنین حجم این مطالبات، آمار رسمی وجود ندارد اما به اعتقاد کارشناسان، این موضوع درآستانه‌ی شرایط بحرانی است و دولت برای حل این مشکل باید به کارخانه‌ها وام‌های طولانی‌مدت بدهد تا بتوانند علاوه بر پرداخت دستمزد کارگران خود، چرخ کارخانه‌ها را بار دیگر به چرخش درآورند.

کارگران پیمانکاری و قراردادی

به جز حقوق و دستمزد، امنیت شغلی به دلیل کار پیمانی و قراردادی یکی دیگر از معضلات این روزهای کارگران است. در حال حاضر ۷۰ درصد کارگران کشور قراردادی و پیمانی هستند و این به معنی آن است که در شرایط بد کاری و اقتصادی، هر لحظه باید در انتظار بیکاری باشند. یکی از چالش‌های اصلی کارگران در سال‌های گذشته به خصوص کارگران کارخانه‌ها و صنایع بزرگ، قراردادهای کوتاه‌مدت سه ماهه و یا شش ماهه است که امنیت شغلی کارگران و زندگی روزمره‌ی آنها را تهدید می‌کند.

این نوع از قراردادهای باعث شده تا نارضایتی بین کارگران افزایش یابد و به اعتقاد کارشناسان یکی از اقداماتی که دولت و وزیر کار برای سامان دادن به شرایط کارگران باید انجام دهند، وضعیت قراردادهای کاری و کارگران قراردادی است. از سوی دیگر به وجود آمدن پیمانکاری در پروژه‌های کاری و شرکت‌های بزرگ، به چالش دیگری در این بین تبدیل شده است. در سال‌های گذشته شاهد گسترش قارچ‌گونه‌ی نوعی از شرکت‌ها تحت عنوان شرکت‌های پیمانکاری هستیم که معمولاً با استفاده از روابط شخصی، بخشی از کار را در کارخانه‌ای یا پروژه‌های عمرانی بر عهده می‌گیرند و سپس با گروهی از کارگران قرارداد کوتاه‌مدت می‌بندند و با پایان پروژه یا بیرون رفتن آن گروه پیمانکاری از پروژه و سپردن کار به گروه دیگر پیمانکاری، این کارگران هستند که اخراج می‌شوند. به اعتقاد کارشناسان، شرایط کنونی باعث شده تا تعداد زیادی از کارگران در کشور به کارگران مقطعی تبدیل شوند.

بررسی‌ای که سال گذشته در شرکت‌های بزرگ و پروژه‌های عظیم انجام شده نشان می‌دهد حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد کارها به گروه‌های پیمانکاری که معمولاً شبه‌دولتی هستند واگذار می‌شود و این موضوع حتی در شرکت‌های بزرگ نفتی و گازی هم درحال رخ دادن است. در این شرایط کارگران به جای طرف قرارداد بودن با این شرکت‌ها، با پیمانکاران قرارداد دارند و در صورت بروز مشکل، دست‌شان به جایی نمی‌رسد. گروه‌های پیمانکاری و قراردادهای کوتاه‌مدت که اخراج و ناامنی شغلی را در کشور به وجود آورده است، یکی از چالش‌هایی است که به اعتقاد کارشناسان و فعالان کارگری دولت و وزارت کار با تغییر قوانین و برای جلوگیری از بروز حرکت‌های کارگری باید فکری به حال آن کند.



تجمع اعتراضی کارگران و کارکنان ایران تایر



منفعت حاصل از این درآمدها را به سوی آموزش، بهداشت و سلامت افراد سوق دهد.

مهدی تقوی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: این که کارگران با دستمزد مصوب سال ۹۳ زندگی شان را می چرخانند، معجزه آساست چرا که این دستمزد جواب گوی حداقل های یک زندگی ساده هم نیست.

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه افزود: کارگران معترض در بریتانیا معتقد بودند دستمزد آنان از دستمزد سایر کارگران با همان شرایط کاری کمتر است، بنابراین با طول دادن زمان صرف ناهار و شگردهایی نظیر این، از زمان مفید کار می کاستند که طبعاً به کاهش بهره وری منجر می شد.

وی تصریح کرد: یکی از راه های جلوگیری از وقوع چنین واکنش هایی که با آفت بهره وری همراه است، پرداخت مزد واقعی بر اساس نرخ تورم است.

این کارشناس اقتصادی در خصوص ارتباط میان مزد و کار کارگران، گفت: چنانچه حداقل معیشت کارگران تأمین نشود، آنان توان کار نخواهند داشت که با ماهیت بهره وری مغایرت دارد.

تقوی با اشاره به سیاست های اقتصادی اشتباه دولت قبلی اظهار داشت: در گذشته با سیاست های غلط تعدیل اقتصادی شاهد تورم ۴۵ درصدی بودیم که جز فشار مضاعف بر کارگر پیامد دیگری نداشت.

وی در پایان با تأکید بر حمایت از واحدهای تولیدی در شرایط رکود تورمی فعلی، اظهار کرد: افزایش قیمت های حامل انرژی موجب افزایش هزینه های تولیدی شده که در صورت عدم تأمین هزینه های جاری آنان، اخراج و تعدیل کارگران را شاهد خواهیم بود.

کارگران و کارمندان شرکت ایران تایر در پی اخراج، کاهش حقوق و دستمزد و افزایش ۵۰ درصدی اجباری ساعت کار از هشت به ۱۲ ساعت، دو روز در محوطه کارخانه این شرکت تجمع کرده اند.

به گزارش ایرنا، چند تن از کارگران و کارمندان شرکت ایران تایر روز چهارشنبه در تماس با ایرنا اعلام کردند که از بهمن ماه ۹۲ تاکنون تعدادی از کارگران این کارخانه اخراج شده اند و حق تولید کارگری و حق جذب کارمندان نیز پرداخت نشده است.

آنان گفتند که از سال جاری نیز مدیران مربوطه ساعت کار را از هشت به ۱۲ ساعت در روز افزایش داده اند و در پی اعتراض کارگران و کارمندان به این موضوع، شش تن از پرسنل استخدامی را اخراج و به دنبال آن سنوات بازنشستگی را نیز از دو ماه به یک ماه تقلیل داده اند.

این افراد اعلام کردند که به رغم اعتراض به شرایط به وجود آمده و دریافت فیش حقوقی فروردین ماه ۹۳ در پنجم خرداد ماه آن هم با ۵۰ درصد کاهش، کارگران در کارخانه مشغول کار هستند تا تولید متوقف نشود، اما همچنان منتظر پاسخ مسئولان مربوطه در این خصوص هستند.

گفته می شود که به رغم تجمع امروز کارگران و کارمندان در محوطه کارخانه، هیچ یک از مدیران این شرکت در محل کار خود حاضر نشده اند تا پاسخ گوی مطالبات معترضان باشند.

مهدی تقوی استاد اقتصاد دانشگاه علامه:

مزد نا عادلانه و حداقل های یک زندگی ساده

افزایش قیمت های حامل انرژی موجب افزایش هزینه های واحدهای تولیدی شده که در صورت عدم تأمین هزینه های جاری آنان، اخراج و تعدیل کارگران را شاهد خواهیم بود. یک کارشناس اقتصادی معتقد است دولت در شرایط اقتصادی کنونی باید با اتخاذ سیاست مالیاتی مناسب،



وی در پایان اشاره کرد: این مسئله نیز نباید نادیده گرفته شود که اصرار و پایداری زنان بر اشتغال، طی این سالها سبب عقب‌نشینی بسیاری از عرف‌های خشونت‌آمیز علیه زنان در محیط کار شده است

در گفت‌وگو با یک فعال حقوق زنان کارگر عنوان شد:

خشونت علیه زنان در محیط‌های کار شدت گرفته است



خشونت‌های کلامی، خشونت‌های جنسی، تحقیر و توهین، نسبت دادن هر نوع کوتاهی در کار به جنسیت فرد و تبعیضات جنسی، از جمله خشونت‌های جاری در محیط کار است.

قوانین محکمی برای حفاظت از زنان در محیط کار وجود ندارد و اثبات ارتکاب خشونت با قانون فعلی نیز بسیار دشوار است. قراردادهای موقت، نقش بسیاری در کاهش امنیت شغلی زنان دارد.

یک فعال زنان با بیان انواع خشونت‌هایی که در محیط کار زنان را تهدید می‌کند از جمله تبعیضات جنسی و نسبت دادن هر نوع کوتاهی در کار به جنسیت فرد؛ راه حل رفع این مشکل را برطرف کردن نقص‌های حقوق شهروندی و قوانین کار عنوان کرد.

مریم محمدی فعال حقوق صنفی زنان کارگر در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در رابطه با خشونت‌هایی که در محیط کار زنان را تهدید می‌کند، گفت: دختران جوانی که با سن و تجربه کم وارد محیط کار می‌شوند مستعدترین افراد برای خشونت‌پذیری در محیط کار هستند. در واقع هر چقدر مهارت فرد در کار بیشتر باشد احتمال در معرض خشونت قرار گرفتن وی نیز کمتر است.

محمدی ادامه داد: خشونت‌های جنسی یکی از شایع‌ترین مشکلات محیط کار برای زنان است که معمولاً زنان در مقابل آن مجبور به ترک شغل خود می‌شوند.

محمدی با اشاره به وجود خلاءهایی در حقوق شهروندی برای تامین حقوق و امنیت زنان ادامه داد: قوانین محکمی برای حفاظت از زنان در محیط کار وجود ندارد و اثبات ارتکاب خشونت با قانون فعلی نیز بسیار دشوار است.

این فعال حقوق صنفی کارگران گفت: قراردادهای موقت که اخراج کارگران را برای کارفرما آسان می‌کند، نقش بسیاری در کاهش امنیت شغلی زنان دارد. بنابراین برای از بین رفتن این‌گونه مشکلات، قوانین پایه‌ای باید به سمتی برود که امکان این‌گونه اتفاقات در محیط کار را به حداقل برساند.

خواست کارگران بعد از ده روزاعتصاب در معدن بافق:

خصوصی سازی را متوقف کنید!



کارگران شرکت سنگ‌آهن مرکزی بافق از هفته‌ی گذشته در اعتراض به واگذاری این شرکت و نیز عدم شفاف‌سازی و توجه به خواسته‌های کارگران، دست از کار کشیده‌اند.

به گزارش شش خرداد سایت «ماین نیوز»، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار یزد، نماینده مردم بافق در مجلس شورای اسلامی، امام جمعه، فرماندار، اعضای شورای شهر و مدیرعامل شرکت سنگ‌آهن مرکزی بافق، در جمع کارگران معترض شرکت سنگ‌آهن بافق حضور یافتند.

بیان خواسته‌های کارگران توسط یکی از شهروندان و شعار "خصوصی‌سازی سنگ‌آهن ملغی باید گردد" از برخی حاشیه‌های این برنامه بود

مرگ در آسانسور بیمارستان

ایسنا: خرابی آسانسور بیمارستان خمینی اسلام‌آباد غرب منجر به مرگ یک جوان شد. به گفته‌ی شاهدان عینی، در پی انتقال چند مصدوم یک تصادف به بیمارستان خمینی این شهرستان، برای انتقال آنها به طبقات فوقانی بیمارستان از آسانسور استفاده شد اما آسانسور که قبلاً بارها خراب شده بود، این بار نیز وسط راه خراب شد و مصدومان و یکی از پرسنل بیمارستان در آن محبوس شدند. یاسر صبری، از پرسنل شرکتی که کارهای تأسیسات بیمارستان را انجام می‌داد، تلاش کرد آنها را از آسانسور بیرون بیاورد اما متأسفانه



سال سابقه‌ی کار بود. بر اساس این خبر، اگر چه حدود ۶۰۰ تن از کارگران این کارخانه با امضای طوماری خواستار بازگشت به کار او شده‌اند، اما کارفرمای ایران شرق می‌گوید وجود او موجب اخلاف در کار سایر کارگران شده بود!

در خبر دیگری که اواخر فروردین منتشر شد، نماینده‌ی کارگران «کشتارگاه سیمرغ» نیشابور پس از هفت سال سابقه‌ی کار در بهمن ماه گذشته اخراج شده است. این کارگر دلیل اخراج‌اش را پی‌گیری مطالبات کارگران عنوان کرده و گفته است که در این واحد تولیدی، کارگران نه تنها دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت نمی‌کنند، بلکه حق بیمه‌ی آن‌ها نیز به طور کامل به سازمان تأمین اجتماعی واریز نمی‌شود. همچنین این کارگر اخراجی اعلام کرده که علی‌رغم ساعت کاری بیشتر برای کارگران این کشتارگاه، آن‌ها از دریافت مزایایی چون اضافه‌کاری، حق عائله‌مندی و حق مسکن محروم هستند.

و این در شرایطی است که اخبار اخراج و زندانی کردن نمایندگان معترض پلی‌اکریل اصفهان و معدن چادرملو در اردکان استان یزد و یا اخراج نماینده‌ی کارگران کشت و صنعت شوشتر و ذوب آهن اردبیل در سال گذشته، هنوز از یادها نرفته است. البته این خبرها تنها گوشه‌ای از تعرض صاحبان سرمایه و حاکمیت آن‌ها به نماینده‌های کارگران است و جنبش کارگری در دهه‌ی اخیر بارها شاهد اخراج و بازداشت نماینده‌های تشکلهای مستقلی مانند سندیکای واحد تهران و یا سنیکای هفت‌تپه بوده است.

نکته‌ی مهمی که باید در پس این اخراج‌ها، بگیر و ببندها بر روی آن انگشت گذاشت و به آن توجه کرد این است که کارگران همواره و به خصوص در مواقع اعتصاب و اعتراض، می‌بایست از نماینده‌های خود حمایت کنند. تجربه‌ی پشتیبانی و دفاع قاطعانه‌ی کارگران معدن چادرملو، از نماینده‌های اخراجی و بازداشت شده‌ی این معدن، در حقیقت یکی از دست‌آوردهای قابل ذکر و با ارزش جنبش کارگری در سال گذشته می‌باشد. کارگران مراکز مختلف کار و تولید می‌بایست این اقدام حمایتی کارگران این معدن، از نماینده‌ی خود را به حد کافی برجسته نموده و آن را الگوی مناسبی برای مقابله با قدرقدرتی صاحبان سرمایه در اخراج نماینده‌های کارگری قرار دهند. سرمایه‌داران در واقع با حمایت دستگاه‌های امنیتی و قضایی و نهادهای اداری دولتی، اقدام به اخراج یا بازداشت نماینده‌ها می‌کنند. کارگران نیز باید متحد و یک‌پارچه علیه اخراج همکاران و نماینده‌های منتخب خود، قد علم کنند. اگر داشتن تشکل و انتخاب نمایندگان واقعی در محیط کار برای دستیابی به مطالبات جاری، لازم و حیاتی می‌باشد؛ همراهی و دفاع همه‌جانبه‌ی کارگران از نماینده‌های مورد اعتماد خود نیز رمز موفقیت آن‌ها برای دستیابی به مطالبات‌شان است.

پس از لحظاتی صدای برخورد آسانسور با سر این جوان شنیده شد و او جان باخت. حمیدرضا بیگزراحی، مدیر شبکه‌ی بهداشت و درمان شهرستان اسلام‌آبادغرب با بیان این‌که از دو سال پیش تعمیر و نگهداری تأسیسات بیمارستان خمینی این شهرستان به شرکت خصوصی «شاهدغرب» سپرده شده است، گفت: این شرکت شش نفر را به منظور انجام کارهای نگهداری و تأسیسات بیمارستان استخدام کرده است. وی اظهار کرد: روز حادثه یکی از آسانسورهای بیمارستان در ارتفاع نیم‌متری گیر کرد و دو بیمار و یک نفر از پرسنل در آن گرفتار شدند. بیگزراحی افزود: از شرکت مذکور دو نفر به منظور رفع مشکل به بیمارستان مراجعه کردند که متأسفانه یک نفر از آن‌ها که در آسانسور کناری مشغول رفع مشکل بود، روی سقف آسانسور رفت که سرش در لابه‌لای آهن‌ها و سیم‌های روی سقف آسانسور گیر کرد و همان‌جا فوت شد.

اخراج نمایندگان کارگران و ضرورت حمایت از آنها



به نقل از سایت

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

با رشد و گسترش مبارزات کارگری و اعتراض به شرایط فلاکت‌باری که سرمایه‌داری حاکم به آن‌ها تحمیل می‌کند، اخراج نمایندگان کارگران نیز افزایش پیدا کرده و به یک رویه‌ی معمول تبدیل شده است. یکی از روش‌های سرمایه‌داران برای مقابله با اعتراض‌های کارگری، اخراج کارگرانی است که با آگاهی و جسارت بیشتر از طرف همکاران خود به نمایندگی انتخاب می‌شوند تا پی‌گیر خواست‌ها و مطالبات کارگران در ابعاد و عرصه‌های مختلف باشند.

تازه‌ترین موردی که در روزهای گذشته در سایت‌های خبری انتشار یافت، اخراج نماینده‌ی کارگران «ایران شرق» با ۱۵



بیانیه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری:

علیه تهاجم کور، از کارگران افغان دفاع کنید

در روستای نظامآباد قزوین عدهای به تحریک رییس شورای محل و به گمان این که باردار شدن یک دختر نوجوان و عقب افتاده ناشی از رابطه های افغان های ساکن آن محل با این دختر است (احتمالی که در بررسی های بعدی رد شد)، با تعصبی کور و جهالتی بی مانند با چوب و چماق به خانواده های افغان ساکن نظامآباد حمله کرده ، خانه های آنها را به آتش کشیده ، زنان و کودکان بی گناه را مورد ضرب و شتم و آزار و اذیت قرار دادند.

این فاجعه در روزهای بعد در گراش فارس ، بجنورد، مازندران و بعضی از روستاهای اطراف کرج به اشکال مختلف تکرار شد. بعضی گزارشات حاکی از آن است که طی این حملات افرادی نیز به قتل رسیده اند. قابل توجه این که پیش تر بعضی از مسئولان در مازندران با ربودن گوی سبقت از هیتلر و فاشیست های نژادپرست اعلام کرده بودند به جهت این که حضور افغان ها موجب بدمنظره شدن شهرهای این استان می شود باید آنها را از این شهرها اخراج کرد!

کارگران افغان به عنوان بخشی از طبقه کارگر ، سربار کسی نیستند و برخلاف استثمارگران و انگل های مفت خور از قبل کار و زحمت خود زندگی می کنند . آنها در سال های گذشته در سخت ترین و ناپیم ترین شرایط کاری با کمترین دستمزد و بدون هیچ گونه حمایت و نظارت قانونی به کار گرفته شده اند و چه بسا کارفرمایانی که همین دستمزد ناچیز را نیز پرداخت نکرده اند و به عبارت دیگر به سرقت برده اند. فرزندان این کارگران غالباً از تحصیل محروم و خود و خانواده های شان از ابتدایی ترین حقوق انسانی برخوردار نبوده اند.

ما همه روزه شاهد قتل، تجاوز، خرید و فروش مواد مخدر و انواع و اقسام ناهنجاری های اجتماعی هستیم. ناهنجاری هایی که برخاسته از نظام نابرابر و استثمارگر سرمایه بوده و قربانیان آن نیز بیش از همه کارگران و فرزندان آنها هستند.

کسانی که با خاک پاشیدن به چشم مردم می خواهند عوامل اصلی این نابسامانی ها و سیاه روزی و بی خانمانی انسان ها را که همانا سرمایه و پیامدهای ناگوار و ضد انسانی آن است، از چشم پنهان کنند و با گمراه کردن مردم، گریبان خود را از پاسخ گوئی در قبال این همه مشکلات اجتماعی رها کنند، باید بدانند که کارگران و مردم آگاه فریب چنین ترفندهایی را نخواهند خورد.

کارگران! مردم شریف و آزاده!

در شهر، محل و روستای خود، با دلجویی و حمایت های مادی و معنوی از این عزیزان زحمت کش و شریف، در مقابل

این همه ظلم و ستم، نشان دهیم که کارگران و زحمت کشان به دور از هر نوع تنگ نظری و تعصب، در همه جای دنیا دارای منافع مشترک هستند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از همه کارگران، تشکلهای و فعالان کارگری و همه ی انسان های آزادی خواه و عدالت طلب جامعه می خواهد که صدای اعتراض خود را علیه این تهاجم کور و غیر انسانی بلند کرده نگذارند چنین فجایعی تکرار شوند.

گفت و گو:

گوکهان چایلاک بازمانده ی فاجعه ی معدن سوما در گفت و گو با
آژانس خبری فرات:

۱۳ ماه مه، روزی که ترکیه را لرزاند



اشاره:

پس از آنکه صدها کارگر معدن در نتیجه ی غفلت و حرص و طمع برای سود در سوما کشته شدند، یک معدن کار که در این سیاه چال کار می کرد به سخن آمد. گوکهان چایلاک (Gökhan Çaylak) که شش سال است در آنجا کار می کند می گوید: «وقتی شنیدم این سانحه اتفاق افتاده است، اصلاً متعجب نشدم. انتظار این اتفاق را داشتم.» چایلاک می گوید وقتی این فاجعه رخ داد ۷۸۰ کارگر در زیرزمین مشغول به کار بودند و شرکت می خواهد به اعتبار نزدیکی اش با حزب عدالت و توسعه (AKP) رقم صحیح را پنهان کند.

بنا بر آمار رسمی ترکیه ، در فاجعه ی معدن سوما در ۱۳ ماه مه که ترکیه را لرزاند، ۲۸۴ کارگر کشته شده اند، اما معدن کاران اعلام کرده اند که ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن کشته شده اند. ما با گوکهان چایلاک، کارگری که شش سال است در این سیاه چال کار می کند در رابطه با اهمال در «شرکت معدن



زغال سنگ سوما» گفت‌وگو کرده‌ایم.

شما کارتان را در آنجا از چه زمانی آغاز کردید و چه مدتی است در آنجا به کار می‌پردازید؟

ما کارمان را برای شرکت گورمن در سال ۲۰۰۵ و به دنبال آن برای شرکت معدن زغال سنگ سوما آغاز کردیم. من به سربازی رفتم و پس از آن از سال ۲۰۰۸ کارم را در معدن ادامه دادم. ما در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ تصدی منطقه‌ی آیتز (Eynez) را بر عهده گرفتیم. بعضی از ما در آنجا سر کار رفتند و برخی دیگر در محلی که گون‌تپه (Geventepe) نامیده می‌شود مشغول به کار شدند. در مجموع من شش سال برای شرکت معدن زغال سنگ سوما کار کردم.

معدن‌کاران از خشونت فیزیکی در عذاب‌اند.

می‌توانید به ما بگویید شرایط کار چگونه بود؟ چه خطراتی در آنجا وجود داشت؟

شرایط بسیار ناگواری وجود دارد. کارگران کتک می‌خورند، در آنجا خشونت اعمال می‌شود. کارگرها به طور پیوسته به از دست دادن دستمزد و مرخصی هفتگی تهدید می‌شدند. کارگرها می‌باید با این شرایط کنار می‌آمدند، چون بدهی داشتند و یا به این دلیل که برای مدت طولانی در آنجا کار کرده بودند و نمی‌خواستند مقرری‌شان را از دست بدهند. کارگرها همچنین به اتحادیه‌ها هم اعتماد نداشتند. رئیس اتحادیه یک کاسه‌لیس واقعی بود. برای همین هم کارگرها باید لبخند می‌زدند و تحمل می‌کردند. شرایط زیر زمین واقعا ناگوار، و هزار مرتبه خطرناک‌تر از کار کردن در ساختمان بود. معدن‌کاران مادام که حوادث کشنده نبود، به مانند اتفاقی روزمره با آن برخورد می‌کردند. از دست دادن انگشتان، جراحت، شکستن جمجمه، دفن شدن در اثر نشست زمین، ... همه‌جور حادثه‌ای اتفاق می‌افتد.

من کارگر پایین‌تر از سن قانونی ندیدم

شایعه پخش شده که کارگران زیر ۱۵ سال هم به کار گرفته می‌شدند. آیا این صحیح است؟ آیا شما با چنین چیزی برخورد کرده‌اید؟

فکر نمی‌کنم واقعیت داشته باشد. من هرگز کسی که زیر ۱۸ سال داشته باشد و آنجا کار کند ندیدم. دانش‌آموزان دبیرستانی بودند که دوره‌ی کارآموزی‌شان را می‌گذراندند، اما به زیر زمین فرستاده نمی‌شدند. یا به طور دقیق‌تر، من شاهد چیزی شبیه این نبودم. آن‌ها کسی را که سربازی‌اش را نگذرانده باشد استخدام نمی‌کنند. زیر ۱۸ ساله‌ها به وسیله‌ی پیمانکاران فرعی به کارگیری می‌شوند. شرکت، استفاده از پیمانکاران فرعی را تکذیب

می‌کند، اما دروغ می‌گوید. شرکت معدن زغال سنگ سوما خودش یک پیمانکار فرعی برای شرکت زغال سنگ ترکیه است. در این معدن، حتی پیمانکار فرعی خودش هم پیمانکار فرعی دارد.

زنجیره‌ای از اهمال‌کاری

می‌توانید شرح بدهید که چرا عده‌ی بسیاری در این فاجعه کشته شدند؟

وقتی شنیدم این سانحه اتفاق افتاده است اصلا متعجب نشدم. برادرم هنوز در آنجا کار می‌کند و من نگران شدم، چون نمی‌دانستم در کدام شیفت کار می‌کرده است. او در آن شیفت کار نمی‌کرده و زنده مانده است. ۸۰ درصد کسانی که کشته شدند رفقای من بودند.

ابعاد این فاجعه به سبب زنجیره‌ای از اهمال‌کاری بود. به عنوان مثال، همه‌ی پانل‌های الکتریکی در دستگاه تهویه نباید در یکجا قرار بگیرد. همه‌ی پانل‌ها در بخشی قرار داشت که U3 نام داشت و هوا از آن وارد و خارج می‌شد. اگر آتش از آنجا آغاز می‌شد، که چنانچه گزارش شده است اتفاق افتاده، جریان هوا متوقف می‌شد و جمعیت زنده زنده به کام مرگ می‌رفت. آن‌ها گفته‌اند که در جای دیگری یک بالابر قرار داشته است. اما این حقیقت ندارد. در آن معدن که یک‌راست زیر کوه می‌رود هیچ بالابری وجود ندارد. فقط سیستمی برای فرستادن مصالح به بالا یا پایین وجود دارد، و نه برای آدم.

آمار رسمی غلط است. حداقل ۵۰۰ تن کشته شده‌اند.

ارقام متناقضی در رابطه با شمار کارگران مشمول فاجعه ارائه شده است. شما در آنجا کار کرده‌ای، درباره‌ی تعداد کارگرانی که در آنجا بوده‌اند چه تصویری دارید؟

شیفت مزبور شلوغ‌ترین شیفت بوده است. من می‌دانم که ۷۸۰ نفر آنجا بوده‌اند. اگر ۱۰۰ نفر مجروح یا نجات داده شده باشند، و ۷۰ نفر دیگر در مرخصی بوده باشند، و بگذار بگویم ۵۰ نفر سر کار نیامده باشند، این بدین معنی خواهد بود که حداقل ۵۰۰ نفر در معدن جان داده‌اند. آن‌ها از گفتن این‌که چند نفر کشته شده‌اند طفره می‌روند، چون این بسیار بیشتر از آمار ارائه شده خواهد بود. آن‌ها قطعاً می‌دانند چند کارگر در زیر زمین بوده‌اند، چون شما باید در هنگام ورود کارت را مهر بزنید. آنچه واقعا وحشتناک است این است که هرکس آنجا بوده، مرده است. همه‌ی معدن‌کاران سوما این را می‌دانند.



در خلال بازرسی مناطق خطرناک بسته شده‌اند.

پس از بازرسی، گزارش‌های مثبتی صادر شده‌است. پس چنین فاجعه‌ای چطور می‌توانسته رخ بدهد؟

پیش از آن که من بروم، پانل K به خاطر گاز بسته شد، چون با آن حجم گاز کار کردن غیرممکن بود. من شنیدم که با وجود خطرات، پانل K مجدداً باز شده و بیشتر مرگ‌ومیر هم در آنجا اتفاق افتاده‌است. من شنیدم که آن‌ها هنوز هم نتوانسته‌اند به آن منطقه دسترسی پیدا کنند. من با توجه به بازرسی‌ها می‌گویم پیش از آنکه بازرسی‌ها بیابند، چون مهمانانی از دولت آمده بودند می‌خواستند به ما بگویند به جای سنگ، زغال سنگ بالا بیاوریم. به هر صورت بازرسی‌ها به زیر زمین نرفتند. حتی اگر هم رفته باشند، آن‌ها مناطق مشکل‌دار را ندیده‌اند، چرا که آن‌ها پیش از آمدن‌شان بسته شده بودند. بنابراین آن‌ها می‌خواستند گزارشی صادر کنند که در آن همه چیز روبه‌راه باشد. چون بازرسی‌ها به کارفرماها نزدیک هستند، هیچ‌کس به کارگرها اهمیتی نمی‌دهد.

معدن‌ها با حزب عدالت و توسعه (AKP) ارتباطاتی دارند.

نخست وزیر اردوغان چیزهایی در رابطه با قضا و قدر گفته، و این‌که چنین چیزی در طبیعت این تجارت است. شما چطور فکر می‌کنید؟ این‌که عده‌ی زیادی کشته شوند قضا و قدر است؟

حتی اگر قضا و قدر هم باشد، خدا می‌گوید: «احتیاط کنید و بقیه را به من واگذارید.» آن‌ها چنین چیزهایی می‌گویند، چون این معدن بسیار با حزب عدالت و توسعه نزدیکی دارد. برای پیدا کردن کار در اینجا، شما باید به شعبه‌ی محلی AKP مراجعه کنید. بیشتر مردم به این صورت در اینجا کار به دست می‌آورند. در زمان انتخابات دیده شده، که در سال ۲۰۰۹، آن‌ها معدن‌کاران را مجبور به حضور در میتینگ انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در مانیسا می‌کردند. اگر نمی‌رفتید پاداش شما را قطع می‌کردند. این برای خود من اتفاق افتاد. ملکه دوغرو (Melike Doğru)، همسر رمضان دوغرو (Ramazan Doğru) رئیس شرکت، عضو شورای AKP است. طرز فکر حزب عدالت و توسعه این است که آن‌ها به شما کار داده‌اند، و بنابراین شما هم باید از آن‌ها حمایت کنید.

زندگی یک معدن‌کار به طمع رئیس‌اش برای کسب سود بستگی دارد

آیا چیز دیگری هست که اضافه کنید؟

هنگامی که حادثه‌ای مرگبار در معدن رخ می‌دهد، آن‌ها هر کاری از دست‌شان برپایید انجام می‌دهند تا آن را مخفی کنند. اگر کارگری در زیر زمین بمیرد، آن‌ها هرگز اعلام‌اش نمی‌کنند. اگر در راه بیمارستان بمیرد، فقط به طور سربسته و مبهم بیان می‌کنند. یکی از دوستان من در معدن در جلوی جلوی چشمانم مرد و آن‌ها او را مرده بیرون آوردند. زندگی یک معدن‌کار به هوس کارفرمایش بستگی دارد. هر معدن‌کاری با حادثه روبه‌رو شده‌است. آن‌ها با حوادث غیرکشنده هم چون اتفاقات روزانه برخورد می‌کنند، چون در این کشور مرگ به عنوان چیزی معمولی پذیرفته شده‌است. بدبختانه در ترکیه به سبب اهمال‌کاری، از حوادث قابل پیش‌گیری هم پیش‌گیری نمی‌شود. زندگی یک معدن‌کار به طمع رئیس‌اش برای کسب سود بستگی دارد....